



خیلواکی

استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

شنبه ۱۶ جنوری ۲۰۲۱

میر عبدالرحیم عزیز

## بازی های مخفی در خلق حکومت موقت

سفر هیئت طالبان به پاکستان، مذاکرات زلمی خلیل‌زاد با یک عده از افراد همیشه خائن به کشور، به ارتباط به راه انداختن یک "حکومت موقت"، اعمال فشار پاکستان بر طالبان در پذیرش حکومت موقت مورد تائید اسلام آباد و تلاش اشرف غنی در خنثی ساختن فعالیت های ضد دولت فعلی فضای سیاسی افغانستان را بیشتر غیر قابل اطمینان و غیر قابل پیش بینی ساخته است. ملاقات اشرف غنی با سفرای هند، چین و روسیه بدون حضور شارژدافیر امریکا، تلاش وی را برای تداوم قدرتش به اثبات میرساند. انکشافات اخیر در کابل پرده از نقش ضد افغانی خلیل‌زاد بر میدارد. سفر های اخیرش به پاکستان و ملاقات پی در پی او با مدعیان قدرت در کابل راز دیگری را افشاء می کند: شخص خلیل‌زاد آرزومندی رسیدن در اریکه قدرت را در افغانستان دارد.

در این مضمون، فعل و انفعالات سیاسی اخیر را در افغانستان مورد ارزیابی قرار داده و خواهیم دید که بعد از امضای معاهده صلح بین امریکا و طالبان، فضای سیاسی افغانستان تاریک تر گشته و راه بیرون رفت از معضله کنونی هم پیچیده تر شده است. طرح هائی در جریان است تا افراد ضد بشر بتوانند گوشت از لاش افغانستان بکنند و این کشور را بیشتر به سوی تباهی سوق دهند. من نه به دولت مستعمراتی فعلی علاقمندم و نه به چگونگی ایجاد حکومت موقت دلچسپی دارم. دولت فعلی یک پدیده مستعمراتی است و تشکیل حکومت موقت در یک فضای اسارت و فاقد حاکمیت ملی هم می تواند مستعمراتی شمرده شود. هدف من از این نوشته که بر مبنای تماس با دوستانم در داخل تحریر یافته، آگاه ساختن ذهن هموطنان از فعالیت های اخیر ضد میهنی است که هدف آن سپردن مقدرات کشور ما بار دیگر به پاکستان است.

سفر هیئت طالبان به پاکستان در ماه دسمبر سال ۲۰۲۰ که موافقت دولت مستعمراتی کابل را هم داشت، سرآغاز یک تحرک جدید برای حل "معضله افغانستان" تلقی میشد. اشرف غنی متوقع بود

که اسلام آباد تحریک طالبان را وادار سازد تا با دولت کابل کنار بیایند، اما تیر غنی به هدف نخورد. خلاف توقع غنی، اسلام آباد اصرار نمود تا طالبان یکی از پنج تن از افراد ضد ملی و وابسته به بیگانگان را در رأس حکومت کابل بپذیرند و یا اینکه پاکستان را با همه اعضای فامیل شان ترک گویند. پاکستان ادعا میدارد که سخت زیر فشار امریکا و متحدین قرار دارد و بیش از این نمی تواند به روش ضد بشری گذشته خود نسبت به افغانستان ادامه دهد. گرگان باران دیده پیشنهادی پاکستان عبارت اند از عبدالله عبدالله، گلبدین حکمتیار، حامد کرزی، عمر زاخیلوال و روباه امریکائی زلمی خلیلزاد، بلی زلمی خلیلزاد. طالبان در حال حاضر رهبری هر پنج را نپذیرفتند و همچنان از خود فردی را هم تا اکنون معرفی نکرده اند. عبدالله عبدالله، گلبدین حکمتیار، حامد کرزی و عمر زاخیلوال از زمره مزد بگیران قدیم آی اس آی بوده و رابطه ناگسستنی با دستگاه های استخباراتی پاکستان دارند. یگان نشیب و فراز در روابط این چهار تن با پاکستان دلیل انقطاع کامل آنها با اسلام آباد نیست. در داد و گرفت سیاسی و استخباراتی، حالات جنگ و آشتی متمم یک دیگر اند. دگرگونی در روابط طالبان با امریکا و آشتی دوباره آنها برای ما درس آموزشی بسیار خوبی خواهد بود که نباید بدست فراموشی سپرده شود.



نام زلمی خلیلزاد در لیست پیشنهادی پاکستان برای تشکیل حکومت موقت، تعجب همه را برانگیخته است. بایست بدانیم که فعالیت خلیلزاد در چند ماه اخیر بالاخص بعد از باخت دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ماه نوامبر سال ۲۰۲۰ به دو قسمت رسمی و شخصی تقسیم شده است. در ساحه رسمی، خلیلزاد طبق طرح امریکا و هدایت واشنگتن عمل می کند. در ساحه شخصی، مرام سیاسی خود را قدم به قدم پیاده

می نماید. او با طالبان در قطر در زد و بند قرار دارد. رفت و آمدش به پاکستان هم رسمی است و هم شخصی. در سالیان اول تجاوز امریکا و متحدین ناتو به افغانستان، خلیل‌زاد دشمن پاکستان تلقی میشد. زمانی که خلیل‌زاد از جانب اداره جورج بوش به حیث سفیر امریکا در کابل تعیین گردید، گروه خاک فروشان ائتلاف شمال و عمال آنها در امریکا و اروپا از خوشی در پوست نمی گنجیدند و رقص و پایکوبی می کردند. اسلام آباد از تقرر خلیل‌زاد ناراضی بود که سرانجام توانست او را از کابل دور نماید. لاکن درین اواخر، فضای سیاسی کشور و منطقه عوض شده و پاکستان توانست که بار دیگر نقش اصلی خود را به ارتباط بحران افغانستان به واشنگتن تفهیم نماید. ممکن هم خلیل‌زاد به این فکر افتاده باشد که از نگاه سن به تقاعد نزدیک شده و حیات رسمی اش در امریکا به پایان خواهد رسید. لذا بد نیست که در واپسین حیات سیاسی اش، چند سال دیگر با حمایت پاکستان در اریکه قدرت یک کشور دیگر مانند ویسرا تکیه زند و نامی کمائی نماید. این آرزو را در آغاز هم داشت و این هم یکی از دلایلی بود که سد ظاهر شاه را با کمک امریکا از سر راه خود برداشت، ولی شرایط در آنوقت برایش مهیا نگردید تا به هدف برسد.

اگر طالبان با آمدن خلیل‌زاد به حیث رئیس حکومت موقت موافقت نمایند که از احتمال دور نیست، تصور میشود که این شخص برای چند سالی در ارگ باقی خواهد ماند. با آمیزشی که خلیل‌زاد با طالبان پیدا کرده است، به مشکل عمده در تدوام قدرتش بر نخواهد خورد. سائر گروه‌ها شهادت این را نخواهند داشت که با کاندیدی زلمی خلیل‌زاد به حیث رئیس جمهور (ویسرا) در ضدیت قرار بگیرند. لذا میدان تاخت و تاز برای خلیل‌زاد باز خواهد ماند و به آرزوی دیرینه اش غرض دستیابی به هرم قدرت سیاسی در افغانستان خواهد رسید. درین جا سندی را که سایت تلویزیون طلوع به نشر سپرده و به یک نسخه مسوده توافقی سیاسی در افغانستان دست یافته به دید هموطنان قرار میدهم:

در این نسخه که "حکومت اسلامی تقسیم قدرت یا حکومت صلح" خوانده می شود، ۵۰ درصد قدرت برای جمهوریت اسلامی و ۵۰ درصد آن به طالبان، در نظر گرفته شده است.

در بخشی از این نسخه آمده است که پس از امضای این سند، قدرت سیاسی باید به حکومت موقت در محدوده چند ماه، انتقال گردد.

در بخشی دیگری از این سند آمده است که حکومت تقسیم قدرت تا رویکار آمدن یک حکومت اسلامی دایمی از طریق انتخابات ملی کار خواهد کرد.

بر بنیاد این سند، اداره اجرائی به رهبری رئیس جمهور و صدراعظم، پارلمان و قوه مستقل قضائیه سه بخش اساسی حکومت تقسیم قدرت اند.

در این طرح ۸ صفحه ای، برای پایان جنگ در افغانستان حکومت موقت در نظر گرفته شده است.

بر بنیاد این نسخه، رئیس جمهور و صدراعظم حکومت موقت را طرف های افغانی روند صلح بر می گزینند و تمامی نهاد های کلیدی به شمول نهاد های امنیتی، دفاعی و مالی میان جمهوریت و طالبان به گونه مساویانه تقسیم می شوند.

از میان ۱۰۲ عضو مجلس سنا نیز ۳۴ نماینده از سوی طالبان، ۳۴ تن از سوی جمهوریت اسلامی و ۳۴ تن هم از شورا های ولایتی برگزیده خواهند شد.

قوه قضائیه نیز ۹ عضو خواهد داشت که چهار تن آن از سوی طالبان، چهار عضو آن از سوی حکومت کنونی و یک عضو آن از سوی رئیس جمهور، انتخاب می شود.

اگر سند بالا واقعیت داشته باشد، معلوم میشود که بین طالبان و خلیل زاد زد و بند هائی صورت گرفته است که اسلام آباد هم بر مبنای آن عمل می کند. اینکه طالبان هر پنج کاندید پیشنهادی پاکستان را برای ریاست حکومت موقت به شمول خلیل زاد زد کرده اند، صرف میتواند یک نیرنگ سیاسی محسوب شود، آنهم تا زمانیکه سیر حوادث سیاسی به سوی پختگی برود و طرح های مخفی به موقع آشکار گردد.

مستشعر از زد و بند های پشت پرده، اشرف غنی از دیدار با زلمی خلیل زاد خود داری ورزید و غضب خود را در تخریب ریاست جمهوری اش علیه امریکا و شخص خلیل زاد در ایجاد حکومت موقت به صراحت لهجه بیان نمود. غنی گفت "جنازه مرا از اینجا بکشید. من حکومت را به کسی واگذار می شوم که از من رای بیشتر بدست آورده باشد".

خلیل زاد هم پیغام تهدید آمیزی از طریق توئیتر برایش فرستاد که متن آن چنین است:

متعجب نشدم آقای پرزیدنت!

چون انتظار می رفت اینکار را بکنید. اما خوشحالم که وقت من هم ضایع نشد. با یک نامه کارم را خلاص می کنم. در آخرین روزهای حکومت شما هوای کابل چقدر سرد شده، همانند آنکه حکومت امریکا، سیاسیون و مردم افغانستان از شما دلسرد شده است.

زیاده روی نمی کنم قبلا در حاشیه ها زیاد بحث کردیم.

آقای رئیس جمهور حال اصل مطلب را باید بگویم که ما مجبور هستیم بخاطر رساندن روند صلح افغانستان به یک نتیجه، شما را به استراحت دعوت نمائیم.

این خواست دولت امریکا و قدرت های دخیل منطقه است احزاب و سیاست گذاران داخلی نیز با ما موافق هستند.

بنابراین تصمیم بدون چون و چرا قابل تعمیم خواهد بود، آمادگی داشته باشید بزودی دعوت نامه دریافت خواهید کرد.

نامه (تویت) غیر دیپلماتیک و اخطار آمیز خلیلزاد به اشرف غنی که هر دو زمانی محصل پوهنتون امریکائی بیروت و دست پروده امریکا بوده اند، باعث شد که غنی خود را در باخت و سرانجام سقوط ذلت بار و تباه کن ببیند. خاطره وحشتناک روز های اخیر نجیب الله و حذف وی از صحنه روزگار در ذهن غنی باقی مانده است. بنابراین با عجله مجلسی را هم زمان با سفرای روسیه، هند و چین و بدون دعوت شارژدافیر امریکا در کابل به راه انداخت و آنها را از طرح مخفی برای برانداختن حکومتش آگاه ساخت. محتوای صحبت غنی با سفرای سه کشور نامبرده افشاء نشده، اما تحلیل گران سیاسی معتقدند که غنی از آنها تقاضای حمایت کرده است. اعتراض از جانب غنی و هوادارانش در دستگاه دولت مستعمراتی کابل باعث شد که راس ولسون، شارژدافیر سفارت امریکا در کابل اعلام نماید که کشورش از طرح "یک دولت موقت" در افغانستان طرفداری نکرده، بلکه به گفته او نتایج مذاکرات صلح در دوحه به "خود افغانها" بستگی دارد. ولسن چنین تأکید نمود:

کسانی که خود را طرفدار جمهوریت و مخالف امارت می دانند و در عین حال شعار دولت موقت سر می دهند، یا شاید با مفاهیم سیاسی و حقوقی و واقعیت های تاریخی نا آشنا هستند یا اصلاً به نظام جمهوریت و قانون اساسی وفاداری و پایبندی ندارند و یا اینکه در بدترین حالت به دنبال منافع شخصی اند یا حلقاتی هم ممکن است با حلقاتی در خارج از افغانستان در تبانی و همسویی باشند".

ظاهراً محتوای اعلامیه ولسن شارژدافیر سفارت امریکا در کابل عمق تضاد را بین عملکرد مخفی خلیل‌زاد و مقامات امریکائی توجیه می‌کند. این اعلامیه همچنان وانمود می‌سازد که خلیل‌زاد در پی تأمین منافع خود است، بدون اینکه مقامات امریکائی را از طرز و چگونگی کارش و یا فعالیت خصوصی اش آگاه سازد. بحران در واشنگتن و درد سر مقامات امریکا در داخل این امکان را برای خلیل‌زاد فراهم نموده است که اسپ خود را چهار نعل بدواند و در پی استحکام موقف بعدی و بدست آوردن اهداف سیاسی خود باشد. همچنان محتمل است که شارژدافیر سفارت امریکا برای فریب و اغفال غنی چنین اعلامیه را صادر کرده باشد و در خفاء حمایت خود را از کارنامه خلیل‌زاد ادامه دهد. درین صورت، میتوان درک کرد که هر عمل خلیل‌زاد با تأیید مقامات امریکائی همراه است که برای غنی مرگبار خواهد بود. این نوع بازی های کثیف سیاسی در سیاست داخلی کشور و سیاست جهان بار ها مشاهده شده است.

ناگفته نباید گذاشت که اشرف غنی با نظامیان امریکائی و سیاسیون این کشور شناخت دارد و از حمایت بعضی حلقات سیاسی و نظامی در امریکا برخوردار است. اما غنی میداند و باید هم بداند که حمایت اجانب دایمی نیست و روزی خواهد رسید که آمران اجنبی فرد دلخواه قبلی را با دل‌بند جدید عوض خواهند کرد. به هر حال، در صورت خلق یک حکومت موقت افغانستان بار دیگر هم یک دولت ضد ملی خواهد داشت، پاکستان باز هم برنده خواهد شد، امریکا هنوز هم به حکمرانی خود ادامه خواهد داد و افغانستان همچنان میدان بازی بزرگ برای بازیگران منطقه باقی خواهد ماند.